

## فلم سازي را چگونه ياد گرتي؟

همیشه جواب این سوال برایم سخت بوده است. من کارم را از نوشتن و دایرکت تیتر در مکتب شروع کردم و اولین فیلمنامه ام را در زمان طالبان در 2001 نوشتم و فقط عشق به ساختن این فیلمنامه داشتم که در دوره طالبان ممکن نبود و من توانستم فیلمنامه (فیلم سه نقطه) را در 2003 بسازم. در من واقعا يك كشش دروني وجود داشت من در آن زمان نمی توانستم تشخیص دهم که این علاقه و كشش چیست؟ و فقط در مورد سینما چند تا کتاب خوانده بودم و حتی فیلم هم نمی دیدم و با آن هم توانستم دو فلم داستانی نیمه بلند (سه نقطه) (تارو زحمه) و دوسریال تلویزیونی بلندی را به نام های (رازهای این خانه) و (بهشت خاموش) کارگردانی نمایم.

## فیلمسازي را چگونه و از کجا میتوان آموخت؟

در افغانستان آموزش فیلمسازي به شکل تخصصی در سطح تحصیلات عالی بسیار سخت و گاهی ناممکن میشود، فقط يك دبیرتمنت سینما در دانشکده هنرهای زیبا وجود دارد ولی با امکانات ناچیز و آن هم تنها فقط در پایتخت افغانستان.

## موسسات کمکی مثل آینه و فاران چه رول را برای به پا ایستادن سینمای افغانستان بازی میکنند؟

من متأسفانه در جریان کارهایشان نیستم شاید هم کم کاری آنها باشد. در اوایل آینه کارهای را در قسمت فیلم سازی انجام داد از جمله تربیه چند تن از دختران برای فیلم برداری که بعداً خود این دخترها فیلم ساختن ولی فعلاً آینه کدام فعالیت چشم گیر به فکر من در عرصه سینما ندارد.

## چه امکانات به خانمها وجود دارد؟

البته تمام فیلم سازان در افغانستان مشکلات خاص خود را دارند بدلیل اینکه تهیه کننده وجود ندارد، شرایط و وسایل برای ساختن يك فیلم مهیا نیست و از این وضعیت فیلمسازان زن بیشتر متأثر اند، همچنان سرمایه گذاری از طرف خود زنان در شروع کار هم ناممکن است، بنا، در کنار عدم مسئولیت و امنیت، عدم موجودیت امکانات از مواردی است که کار فیلم سازی را برای زنان سخت تر و گاهی ناممکن میسازد، با آن هم تعداد زیادی از دختران جوان تلاش میکنند تا در عرصه سینما به خاطر احیای فرهنگ و شناختاندن ارزش های انسانی کاری نمایند.

## فیلم کدام فیلمساز برای شما اهمیت دارد؟

اگر منظورتان فیلم سازان افغانستان است به کارهای صدیق برمک و عتیق رحیمی علاقه مندم کارهای خواهرم الکا سادات را هم دوست دارم، بدلیل متفاوت بودن کارش و همچنان کارهای يك تعداد از فیلمسازان جوان مانند دیانا ثاقب و ملک شفیعی.

## فیلم های خودتان را با کدام پول تهیه مینمایند؟

فیلم اولم را با همکاری دوستانم ساختم و دوسریال تلویزیونی را که دایرکت کردم تهیه کننده گی آن را خود تلویزیون طلوع به عهده داشت. این دو کار آخر البته کار های تلویزیونی بود، ولی واقعا برای تهیه فلم های داستانی به سختی میشود کار کرد اصلاً بودیجه وجود ندارد، امکانات تکنیکی و غیره. قابل ذکر است بگویم حتی مصارف پنج فلم الکا جان را من از معاشی که از تلویزیون گرفتم پرداختم.

## موسسات کمک کننده بین المللی، در بخش تولیدات سینمایی چه رولی را بازی میکنند؟

متأسفانه طوری که قبلاً اشاره کردم، به معنای اصلی تهیه کننده خارجی و داخلی در افغانستان وجود ندارد، و موسسات بین المللی کمک کننده بشکل غیر مستقیم از طریق نهاد های حقوقی، مدنی، NGO ها به بعضی از مواردی خاص مثلاً ساخت فیلم های مستند کوتاه پول میپردازند، که این روند به عقیده من هیچ کمکی به

جریان تقویت فیلم سازی در افغانستان نمی کند، بدلیل اینکه حق تالیف و در کل حقوق مادی و معنوی فیلم را یک NGO میگیرد که هیچ آشنایی با پروسه تولید فیلم ندارد، فیلم ساز و تهیه کننده افغانی مثل یک مامور سهم بسیار ناچیز دارد و این همکاری غیر مستقیم هم بسیار محدود است .  
من از طریق برنامه شما پیشنهاد میکنم که اگر این نهادهای کمک کننده بتوانند مستقیم با نهادهای فیلم سازی در افغانستان به ارتباط باشند از یک طرف میتوانند اثر خوب داشته باشند از طرف دیگر میتوانند به تقویه فیلم سازی در این کشور کمک کنند.

### فیلم ها را به کدام آدرس و به کدام طبقه از مردم میسازید؟

مشکل عمده و اساسی همین جا است، مسلماً در جهان دوتای فیلم ساز وجود دارد، یکی فیلمسازي که فقط برای رسالت سینما کار میکند و سینما را به عنوان یک هنر والا و حقیقی در مسیر ارزش های والای انسانی شناخته، در اثر خود دنبال گفتن حرفی است که نقاط مبهم و پیچیده اجتماع را روشن میسازد و در این بخش فیلم ساز، هنرمندی است که خود را وقف اعتقادات و باورهای والای خودش میسازد، هنر سینما را به عنوان صلاحی اساسی برای دفاع از حقوق انسان در مقابل هر نوع ظلم و استبداد سیاسی، عنعنوی، خرافات و زورگویی باپرداخت زیبایی هنری با شناخت از اصول دراماتیک و بیان سینما استفاده مینماید. در دسته دوم فیلمسازانی وجود دارد که فقط مهر هنرمند بودن بر پیشانی زده هیچ هنرمندی در اثرش دیده نمیشود و فقط برای بدست آوردن پول آنچه لازم بود انجام میدهد؛ بدون شناخت از فرهنگ عامیانه کشورش، بدون شناخت از تاریخ، تیب ها، قصه ها و واقعیت های عینی که در جامعه میگذرد و حتی با تمام این عیوب خود را پرچم دار سبک ریالیسم سینما میداند. به نظر من از دسته دوم در کشور ما خیلی فراوان دیده میشود و از طرف دیگر یک تعداد زیادی از طبقه محروم جامعه ما عادت با فیلم های بازاری و بی ارزش نموده اند که واقعا از بیرون برای شان تحمیل گردیده است و سینما به باور آنها فقط باید با اکشن و صحنه های زننده باشد، به باور یکتعداد زیاد سینما ها فقط مکان فحشا و مکانی امنی برای یکتعداد از آدم های بی کار و لایوالبی است. در مورد سوال شما باید بگویم آنچه ما میسازیم و شما نظاره کرده اید، بگوید که فیلم های ما از کدام دسته است و برای کدام طبقه از مردم ساخته شده است فقط میخوایم بگویم اینکه وظیفه هر هنرمند و به خصوص فلم ساز این است تا اثر ارزشمند خلق نماید و جایگزین آثار بازاری سازد تا اینکه تمام مردم ما روزی ارزش سینما را درک نموده و با سینمای هنری آشنا شوند.

### به نظر شما چه فرق بین بازارهای بین المللی و بازار داخلی افغانستان وجود دارد؟

در پهلوی تمام مسایل اساسی و مهم آنچه برای بقای سینما ارزش دارد همانا اقتصاد و بازار است بدون شک فلمسازي یک مسلک گروهی و دسته جمعی است برخلاف هنر نقاشی، مجسمه سازی و یکتعداد هنرهای دیگر که هنرمند با یک تکه کاغذ، یک پایه بوم و چند قلم رنگ میتواند آنچه بخواهد با تنهایی و بدون مجبوریت به دیگران خلق نماید تا حرف خود را بگوید، اما سینما نیاز به افراد بیشتر و هزینه های گزاف دارد که این خود با حث میشود تا فلمساز را متوجه به بازار و اقتصاد نماید. در کشورهای پیشرفته مانند آمریکا کمپنی های بزرگی که فلمی را تولید میکنند بعضی اوقات خودشان سالون های شخصی برای پخش فلم دارند که خود تضمینی است برای هزینه مصرف شده در فلم های شان. با عوایدی خیلی بزرگ که البته این کمپنی ها دارند مالیات های بسیار بلند برای دولت میپردازند. برخلاف، کشور فرانسه سالانه چندین میلیارد دالر سینمای کشورش را کمک مینماید تا از نظر اقتصادی صدمه نبیند.

در افغانستان اصلاً مکان های پخش برای فلم های سینمایی وجود ندارد که فلمساز بتواند حد اقل بعد از تولید فلم خود را در آنجا نمایش دهد و پولی نصیبش گردد، چند سالونی محدود سینمایی که وجود دارد آنها تنها در مرکز با وسایل کهنه و چوکی های قدیمی، سیستم سوند کهنه که از نظر امنیتی و تدارکاتی جای مناسبی برای رفت آمد فامیل ها نیست. از همین جهت سالونهای سینمایی نمیتواند بیشترین کمیت تماشاچی و فروش تکت مناسب را تضمین نماید؛ از طرف دیگر حق کاپی و نشر هنوز در افغانستان نهادینه نگردیده است و یک تعداد از دزدان، آثار سینمایی را به شکل مینتل کاپی و به فروش میرسانند، این خود با حث میشود تا هر فلم سازی که برای یک بار سرمایه گذاری میکند بار دیگر نتواند فلم بسازد. همچنان قابل ذکر است که حکومت هیچ استراتژی مشخصی در قبال نجات اقتصاد سینمای افغانستان ندارد و تاجایی که ملموس است کشور های کمک کننده هم در افغانستان علاقه چندانی برای کمک به رشد و غنای فرهنگی نداشته و به خصوص به سینما با دیده تردید مینگرند.

رویا سادات